

بررسی موانع گرایش دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره به رویکرد

اسلامی: پژوهش کیفی

عباس شکیبا* رضوان‌السادات جزایری** مسعود آذربایجانی***

چکیده

پژوهش حاضر درصدد کشف و تبیین آسیب‌هایی است که مانع گرایش دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره، به رویکرد اسلامی می‌شوند. برای دستیابی به اهداف پژوهش، با سی دانشجوی و پنج استاد مربوط به رشته‌های مشاوره و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای کیفی و با استفاده از نرم‌افزار NVivo QSR استفاده شد. نتیجه تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان، دو مضمون کلی و یازده طبقه است که عبارت است از: ۱. عوامل درون‌فردی، شامل چهار طبقه، مانند بی‌رغبتی کلی دانشجویان به طرح مسائل جدید، ۲. عوامل بیرون‌فردی، شامل هفت طبقه، مانند کمبود منابع آموزشی و پژوهشی بودند. بدیهی است شناخت موانعی که گرایش دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره را به کاربرد رویکرد اسلامی کند می‌کنند، می‌تواند به تدوین راه‌کارهای مناسب برای ترغیب هرچه بیشتر دانشجویان به رویکرد اسلامی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: روان‌شناسی، مشاوره، دانشجویان، رویکرد اسلامی، پژوهش کیفی، NVivo.

hamid.shakiba@gmail.com

* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان

** استادیار و عضو هیئت علمی گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

*** استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم.

دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۷ - پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۱۳

مقدمه

در کشورهای شرقی، آموزش و پژوهش در زمینه روان‌شناسی، بدون توجه به نظام‌های دانش بومی یا چارچوب اجتماعی و فرهنگی موجود، تحت سیطره نظریه‌ها و مدل‌های نشئت‌گرفته از کشورهای توسعه‌یافته غربی است. قرآن کریم منبع عظیمی از تحلیل‌های مرتبط با فرایندهای روانی دخیل در ارتباط میان جسم، ذهن و روح؛ روش‌شناسی چگونگی مطالعه ادراک، عواطف، انگیزش، تعلیم فضیلت‌های اخلاقی، شناخت ارزش‌ها، شکل‌گیری گرایش‌ها و شخصیت فرد، واکاوی خویشتن آدمی، تأثیر انجام اعمال مذهبی، آرامش‌بخشی^۱، راهنمایی و مشاوره، سلامت معنوی و... را در اختیار بشر قرار می‌دهد، از این رو طیف وسیعی از موضوعات مرتبط با زندگی او را دربر می‌گیرد.^۲ قرآن کریم تحلیل نظام‌مندی از واقعیت ارائه می‌دهد که از سطح فردی تا اجتماعی و روحی انسان را دربر می‌گیرد.^۳ روش‌های شناخت خود و دیگران، اهداف زندگی، سبک زندگی سالم، فرایندهای فرایندهای اجتماعی، شیوه‌های فرزندپروری، مدیریت محیط زندگی و انواع پاداش و تنبیه، از جمله مهم‌ترین مقوله‌هایی می‌باشد که در قرآن کریم بدان پرداخته شده است.^۴ متفکران مسلمان توانسته‌اند بر اساس تعالیم و اصول قرآنی، مفاهیم روانی-معنوی متعددی را در زمینه رفتار انسان تعریف کنند و رویکرد آنان در این زمینه از نوع دینی بوده است. دین اسلام تداعی‌گر شکل‌گیری متافیزیک دینی است که در قالب آن، شخصیت آدمی از طریق دین توانمند می‌شود.^۵ همچنین متفکران مسلمان توانسته‌اند روش‌های درمانی تدوین کنند که در اصل بر اساس باورها و عملکردهای دینی پایه‌ریزی شده‌اند. روان‌درمانی و مشاوره اسلامی نیز باید در چارچوب عملی مبتنی بر اصول هدایتی و سنت مسلمانان شکل گیرد.

از دیدگاه اسلام، دستیابی به روان‌شناسی جامع، تنها در صورت پذیرش مفروضات کاملاً متفاوتی امکان‌پذیر خواهد بود. به منظور بررسی جنبه‌های مختلف رفتار و تجربیات آدمی تدوین مدل‌های نظری، ضروری به نظر می‌رسد.^۶ قرآن برای مسلمانان، قابل اعتمادترین منبع دانش است که اصل وحدت وجود و توحید از آن ناشی می‌شود. خداوند بزرگ، ما را آفریده و شناخت مطلق و کاملی از ما دارد. بنابراین، روان‌شناسان مسلمان باید درصدد تدوین روان‌شناسی نوینی باشند که همان روان‌شناسی اسلامی مبتنی بر قرآن است. باید بین مفهوم روان‌شناسی با رویکرد اسلامی، و مفهوم روان‌شناسی دین که غالباً از محافل

غربی و خصوصاً آمریکا نشئت گرفته، تمایز قائل شد. روان‌شناسی دین که رشته‌ای فرعی از روان‌شناسی بوده و مورد قبول همگان است، به منزله مبنایی برای ارائه تفسیر از پدیدارهای دینی در نظر گرفته شده و با توجه به تمامیت دین، به یک معنا تقلیل‌گرایانه است.^۷ روان‌شناسی اسلامی به جای اینکه صرفاً رویکردی آموزشی، پژوهشی و درمانی باشد، نوعی نگاه جامع و فلسفه زندگی است. به بیان دیگر، روان‌شناس مسلمان، اصول کلی مطرح‌شده در شرع مقدس اسلام و قرآن کریم را در تمامی ابعاد فعالیت‌های پژوهشی و درمانی خود به کار می‌گیرد؛ اصولی که پیش از همه، باید در زندگی شخصی خود او نمود یافته باشد. اما روان‌شناسی دین، بر پایه همان اصول روان‌شناسی تجربه‌گرای غرب است که منحصرأ به بررسی کارکردهای دین در بافت اجتماعی و در سطح روان انسان‌ها می‌پردازد. منبع اصلی روان‌شناسی دین بیش از هر چیز روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی بوده است؛ و روان‌شناسی دین را یکی از شاخه‌های روان‌شناسی اجتماعی شمرده‌اند.^۸ روان‌شناسی دین - آن‌گونه که در محافل غربی بنا شده است - مبتنی بر فلسفه تجربه‌گرایی است؛ فلسفه‌ای که واقعیت را تنها به مفاهیم قابل مشاهده و اندازه‌گیری محدود می‌کند. برای پژوهشگران حوزه روان‌شناسی دین، مهم نیست که چه چیزی دینی است و چه چیزی خیر، بلکه مهم این است که در عمل از چه چیزی برای ارزیابی دین استفاده می‌کنند.^۹

در مقابل، در روان‌شناسی دینی، که شاخه‌ای از علم دینی است، باورهای مذهبی به منزله اصل و منبع قرار گرفته و روان‌شناسی در چارچوب آن سنت ایمانی جستجو می‌شود.^{۱۰} با توجه به آنچه ذکر شد، روان‌شناسی با رویکرد اسلامی را می‌توان مطالعه علمی رفتار دانست که با فرهنگ و جهان‌بینی اسلامی متناسب باشد.^{۱۱} سیطره همه جانبه روان‌شناسی مرسوم، که پایه‌های شکل‌گیری آن بر اساس فرهنگ فردگرا، عمل‌گرا و تجربه‌گرای مردمان غرب است، و تعمیم نامناسب آن به جوامع جمع‌گرا همچون ایران، موجب ناکارآمد شدن رویکردهای جاری روان‌شناسی و مشاوره گردیده است.^{۱۲} به‌کارگیری نظریه‌ها و تکنیک‌هایی مبتنی بر فردگرایی (که برای فرهنگ‌های غربی ابداع شده)، بر مراجعان ایرانی (که در بافت فرهنگی و معنوی متفاوتی رشد و پرورش یافته‌اند)، می‌تواند موجب وخیم‌تر

کردن مشکل شود. برای مثال، توصیه به مراجعی که با خانواده خود مشکل دارد، به ابراز صریح و مستقیم احساسات خود به اعضای خانواده، ممکن است موجب افزایش تنش‌های درون خانوادگی شود، چراکه رفتارهای فرد در جامعه جمع‌گرای ایران، جدای از کلیت خانواده نیست. اگر فرض‌های ارزشی مشاوران و مراجعان از لحاظ فرهنگی تفاوت داشته باشد، مشاوره‌هایی پدید خواهد آمد که از لحاظ فرهنگی سودار بوده و به بی‌مصرف ماندن خدمات سلامت روان منجر می‌شود.^{۱۳}

اصول موضوعه علوم انسانی بر خلاف علوم پایه، اصولی مطلقاً جهان‌شمول نیستند، چراکه با روان بسیار پیچیده انسان سروکار دارند؛ موجودی که زندگی و هویتی کاملاً مستقل و فردی نداشته و تحت تأثیر بافت‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی است. از منظر قرآن نیز انسان صرفاً به منزله «فرد»، فردی بریده و مجزا توصیف نشده، بلکه رابطه او با جمع و امتی که در آن زندگی می‌کند، به منزله وجهی اساسی از هویت او در نظر گرفته شده است.^{۱۴} بر این اساس، مفاهیم و اصول روان‌شناسی و مشاوره نیز همانند سایر علوم انسانی باید بر پایه خصوصیات فرهنگی و اجتماعی افراد هر جامعه بنا شود و رویکرد در حال گسترش فرهنگی^{۱۵} به مشاوره و روان‌شناسی در تمام دنیا، شاهدی بر این مدعا است. مشاوره و روان‌درمانی حساس به فرهنگ، بر این فرض استوار است که نظریه شخصیت واحد و همگانی وجود ندارد. فرهنگ و رشد فرد، عوامل تعیین‌کننده مهم شخصیت هستند. هر فرهنگی، هنجارها، رویدادها و تجربه‌های جداگانه‌ای را دربر دارد که فرد و گروه را شکل می‌دهند.^{۱۶} بنابراین، دانشجویان چنین رشته‌هایی که پیشگامان آتی حوزه پژوهش و درمان هستند، باید هنگام تحصیل و کسب تجربه، با دیدی انتقادی به اصول غربی علوم انسانی نگریسته و شاخص‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه خود را مدنظر قرار دهند. با این حال، سیطره نظریه‌های غربی بر نگرش و دانسته‌های دانشجویان جامعه ما، به وضوح، مشاهده می‌شود. حل این معضل، نیازمند پژوهش‌های عمیق و گسترده در این حیطه است، حتی در کشورهای مسیحی، احساس نیاز به بازنگری مفاهیم و نظریه‌هایی اصیل روان‌شناسی که پیوستگی روان انسان با خدا و دین را نادیده گرفته‌اند، در حال فزونی است و بدین منظور، تحقیقات وسیعی در حال انجام است که خواهان شناسایی

علل عدم گرایش دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، به اصول و مفاهیم آیین مسیحیت هستند. برای مثال، پاسمور^{۱۷} در پژوهش خود، نظریه‌های دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره در کشور استرالیا را تحلیل کرده و بیان داشته که علل و عوامل بسیاری زیاد ممکن است باعث عدم گرایش دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره به کاریست رویکرد دینی در فعالیت‌های پژوهشی و درمانی شوند که از آن جمله به موارد زیر اشاره کرده است:

۱. عدم تمایل دانشجویان به تأثیر ارزش‌های دینی و گرایش‌های مذهبی بر مراجع، حین فرایند مشاوره و درمان؛
 ۲. کافی نبودن منابع آموزشی و اطلاعاتی مناسب، مانند کتاب، پژوهش‌ها و دوره‌های آموزشی و درمانی؛
 ۳. وجود فاصله بین نظریه‌های دینی در سطح تئوری با فعالیت‌های بالینی و عملی به سبب کمبود پژوهش‌های مناسب.
- با توجه به مطالبی که گفته شد، پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی دیدگاه‌های دانشجویان و اساتید رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره از طریق انجام مصاحبه نیمه‌ساختاری و تحلیل کیفی^{۱۸} آنها، آسیب‌ها و موانعی را که مانع از کاریست رویکرد اسلامی توسط آنها می‌شود، کشف و تبیین کند.

روش بررسی

از آنجا که هدف پژوهش حاضر، شناسایی، کشف و تبیین موانع پیش‌روی دانشجویان رشته روان‌شناسی و مشاوره به کاربرد رویکرد اسلامی است، از این‌رو روش تحلیل محتوا، استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی،^{۱۹} تکنیکی پژوهشی است برای استنباط^{۲۰} تکرارپذیر^{۲۱} و معتبر^{۲۲} از داده‌ها در مورد متن^{۲۳} آنها.^{۲۴} به بیان دیگر، تحلیل محتوا روش تحقیقی است که به منظور تفسیر شناختی محتوای داده‌های مکتوب به کار می‌رود. در این روش، طی فرایند طبقه‌بندی^{۲۵} سیستماتیک، کدها و مقوله‌ها شناسایی می‌شوند. تحلیل محتوا چیزی فراتر از استخراج^{۲۶} محتوای عینی برگرفته از داده‌های متنی است و از این طریق می‌توان مقوله‌ها و الگوهای پنهان را از درون محتوای داده‌های شرکت‌کنندگان در

مطالعه آشکار کرد.^{۳۷} تحلیل محتوا از منظر هدف، شامل دو نوع تحلیل مفهومی^{۳۸} و تحلیل رابطه‌ای^{۳۹} است. تحلیل مفهومی به منظور تعیین فراوانی و شدت یک مفهوم خاص در متن و تحلیل رابطه‌ای برای کشف روابط بین مفاهیم به کار می‌رود.

با توجه به هدف این پژوهش، از تحلیل مفهومی برای کشف مفاهیمی که اشاره به موانع کاربرد رویکرد اسلامی دارند، استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه اصفهان، در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی و نیز اساتید مربوطه بوده‌اند، که با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد سی دانشجو و پنج استاد انتخاب شدند. با هریک از مشارکت‌کنندگان، مصاحبه‌ای حدود ده دقیقه انجام گرفت. مصاحبه‌کننده از لحاظ چگونگی انجام مصاحبه، مدت زمان و طرز مطرح کردن سؤال‌ها، از الگوی استاندارد و از پیش تعیین‌شده‌ای تبعیت کرده تا شرایط مصاحبه برای تمام مشارکت‌کنندگان یکسان باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^{۳۰} شامل چهار سؤال کلی و باز - پاسخ بود که دیدگاه‌های دانشجویان رشته روان‌شناسی و مشاوره را درباره رویکرد اسلامی می‌سنجید. سؤال‌های مصاحبه پس از طراحی اولیه، به منظور بررسی فاکتورهایی، نظیر عدم سوگیری یا جهت‌دار نبودن مضمون سؤال‌ها، به اطلاع سه تن از متخصصان گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان رسیده و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، تأیید شد. سؤال‌های اصلی عبارت بودند از:

۱. به نظر شما نگرش به روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد اسلامی در میان دانشجویان

رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره چگونه است؟

۲. اگر فکر می‌کنید برخی از دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره به پژوهش و

درمان با رویکرد اسلامی علاقه‌ای ندارند، علت چیست؟

۳. به نظر شما اصلی‌ترین موانع گرایش دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، به

رویکرد اسلامی چیست؟

۴. به نظر شما اقداماتی که می‌توان برای سازمان‌دهی روان‌شناسی با رویکرد اسلامی و

گسترش آن در میان دانشجویان این رشته‌ها انجام داد، چیست؟

ضبط مصاحبه‌ها به علت عدم موافقت مصاحبه‌شوندگان، انجام نشد، از این رو

مصاحبه‌کننده، محتوای مصاحبه‌ها را به دقت و کلمه به کلمه، به نگارش درآورد. به منظور

بررسی پایایی، پس از هر مصاحبه، متن نوشته شده به مصاحبه‌شونده نشان داده شد تا صحت نوشته‌ها را همان‌گونه که بیان کرده بود، تأیید کند. متن نهایی و مکتوب‌شده مصاحبه‌ها برای انجام تحلیل محتوا، در نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی NVivo^{۳۱} نسخه ۸ وارد شد. استفاده از این نرم‌افزار، باعث تسریع و تسهیل فرایند کدگذاری، دسته‌بندی‌های چندگانه، مقوله‌بندی مفاهیم و بررسی روابط و الگوهای داده‌های متنی می‌شود. کدگذاری عبارت‌هایی که مصاحبه‌شوندگان بیان کرده بودند، با توجه به شماره اختصاص داده شده به هر مصاحبه‌شونده (P1 الی P35)، جنسیت و مقطع تحصیلی صورت گرفت. سپس بر اساس توصیف‌های مشارکت‌کنندگان، مفاهیم آشکار و پنهانی که از لحاظ مفهومی در خصوص با موانع گرایش دانشجویان به کاربرد رویکرد اسلامی بود، مشخص و کدگذاری و خلاصه‌سازی شده و در قالب زیر طبقات، طبقات و مضامین کلی قرار گرفت. تحلیل محتوای کیفی در این مرحله، فرایند تبدیل شدن داده‌های خام به طبقات معین، بر اساس تفسیر و استنباط دقیق محقق است. این فرایند با استفاده از منطق استقرا صورت می‌گیرد که با بررسی دقیق محقق و مقایسه مداوم داده‌ها، طبقات و مضامین کلی از داده‌های خام استخراج می‌شود.^{۳۲}

پس از استخراج و طبقه‌بندی اولیه مفاهیم توسط محقق، به منظور افزایش اعتبار^{۳۳} تحلیل‌ها و کاهش احتمال سوگیری محقق در انتخاب و طبقه‌بندی مفاهیم، از روش بازنگری ناظرین^{۳۴} و نظریه‌های مشارکت‌کنندگان^{۳۵} استفاده شد؛ بدین صورت که در روش بازنگری ناظرین، از یک دانشجوی دوره دکترای رشته ادبیات فارسی و آشنا به اصول زبان‌شناسی درخواست شد تا مراحل انتخاب، کدگذاری و طبقه‌بندی مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش را به صورت کاملاً مستقل، دوباره انجام دهد، آن‌گاه میزان همخوانی نتایج به دست آمده توسط او با نتایج اولیه محقق، مقایسه شد. ضریب همخوانی به دست آمده بین کدگذاری محقق و کدگذاری ناظر، ۹۰٪ بود که بر اعتبار قابل قبول تحلیل‌ها دلالت دارد. همچنین در روش نظریه‌های مشارکت‌کنندگان، ده نفر از مصاحبه‌شوندگان (۳۳ درصد) به صورت تصادفی انتخاب شده و از آنان درخواست شد تا جدول‌های حاوی کدهای اولیه، زیرطبقات، طبقات و مضامین کلی را که توسط محقق و با استفاده از مصاحبه مربوط به خود مصاحبه‌شونده، به دست آمده بود، ملاحظه کرده و میزان موافقت خود را با

چگونگی مقوله‌بندی محقق، به صورت نمره‌ای از ۰ - ۱۰۰ بیان کنند. در نهایت، میانگین موافقت افراد محاسبه و مقدار آن ۹۵٪ به دست آمد که قابل قبول بوده و به عنوان شاخصی از معتبر بودن تحلیل‌ها در نظر گرفته شد. درگیری مستمر ذهنی با داده‌ها، باعث افزایش وسعت و عمق اطلاعات می‌شود،^{۳۷} از این‌رو برای اطمینان از قابلیت اعتماد داده‌ها^{۳۷}، درگیری طولانی‌مدت محققان با داده‌ها حفظ شد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌های مشارکت‌کنندگان در مورد دیدگاه‌های آنها به موانع گرایش دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، به کاربرد رویکرد اسلامی، به شکل‌گیری یازده طبقه و دو تم^{۳۸} یا مضمون کلی منجر شد. مضامین کلی به دست آمده، شامل عوامل درون‌فردی و عوامل برون‌فردی بودند.

عوامل درون‌فردی

این مضمون، نشان‌دهنده علل و عوامل مربوط به خود دانشجویان بود؛ عواملی که در حوزه اختیار دانشجویان بوده و مستقل از موانع و عوامل بیرونی، نظیر کمبود منابع بود. این مضمون، دربرگیرنده چهار طبقه اصلی است:

۱. بی‌رغبتی کلی دانشجویان، به طرح مسائل جدید

این طبقه، نشان‌دهنده بی‌رغبتی و کم‌تحرکی ایجاد شده در دانشجویان به صورت کلی و در تمامی حیطه‌ها بود. مشارکت‌کنندگان، جدای از رویکرد اسلامی که حیطه‌ای جدید و ناآشنا در نظر گرفته می‌شد، در سایر زمینه‌ها، مثل دروس فعلی نیز بی‌رغبتی و بی‌انگیزه بودن را در دانشجویان گزارش کرده‌اند. گفته‌های برخی از مصاحبه‌شوندگان را مرور می‌کنیم: «یک عدم تحرک کلی توی دانشجویان پدیدار شده که باعث شده دانشجو با تحقیق و پژوهش فاصله بگیره، حتی توی موضوعاتی که هم از قبل وجود داشته و هم کاربردی هستن، چه برسه به یه حیطه جدید، مثل رویکرد اسلامی». همچنین یک مشارکت‌کننده دیگر نیز گفت: «دانشجوی امروزی به طور کلی علاقه و رغبت کمی به مسائل جدید از خودشون نشون میدن». آن‌گونه که از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان مشخص می‌شود، بی‌رغبتی و کوتاهی در

آموختن و پژوهش، مشکل جدی دانشجویان امروزی است که باعث می‌شود از حیطه‌ای جدید، مثل رویکرد اسلامی که نیازمند تحقیق و پژوهش گسترده است، استقبال کمی داشته باشند.

۲. آشنا نبودن با اصول و مفاهیم رویکرد اسلامی

این طبقه، نشان‌دهنده ناآشنا بودن اصول و مفاهیم رویکرد اسلامی برای دانشجویان است. هر حیطه جدیدی برای گسترش یافتن در فعالیت‌های پژوهشی و بالینی دانشجویان، نیازمند معرفی کردن چارچوب و اصول تشکیل یافته خود است. برای مثال، یک مشارکت‌کننده می‌گوید: «دانشجو با رویکرد اسلامی آشنا نیست؛ اگر شناسیم مقاومت می‌کنیم، اگر شناسیم مقاومت نمی‌کنیم.» همچنین مشارکت‌کننده دیگری می‌گوید: «در درس علم النفس، بر جنبه کاربردی تأکید نشده، واسه همین دانشجویان رغبتی ندارند.» مانع مهمی که راه گسترش رویکرد اسلامی را در میان دانشجویان گرفته است، نبودن منابعی است که این رویکرد را به روشنی معرفی، و اصول و مفاهیم آن را در یک چارچوب منطقی مشخص کنند. معدود کتاب‌هایی هم که درباره روان‌شناسی با رویکرد اسلامی وجود دارند، نظیر کتاب *علم النفس*، مفاهیم را به صورت بسیار پیچیده مطرح کرده‌اند که فهم آن برای دانشجو سخت بوده و صرفاً در سطح نظری‌اند. دانشجویان این رشته‌ها، همانند سایر دروس خود، در پی الگویی روشن، قابل فهم و کاربردی از اصول، مبانی و مفاهیم رویکرد اسلامی به روان‌شناسی و مشاوره هستند.

۳. تردید در خصوص توانایی در کسب مهارت‌های لازم برای این رویکرد

از اولین منابعی که عمده‌تاً در سال اول تحصیلی به دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره ارائه می‌شود، کتاب *علم النفس* است. این کتاب، با مفاهیم فلسفی و پیچیده‌ای که دارد برای دانشجوی سال اول که هنوز درک درستی از روان‌شناسی پیدا نکرده است، باعث می‌شود نه تنها دل‌زدگی به رویکرد اسلامی در او ایجاد شود، بلکه عزت نفسش کاسته شده و می‌پندارد که توانایی وارد شدن به این حوزه و مسلط شدن بر آن را ندارد. یک مشارکت‌کننده چنین می‌گوید: چون تجربه اکثر دانشجویان از روان‌شناسی با رویکرد اسلامی، کتاب سخت و فلسفی *علم النفس* بوده، لذا دانشجویان این رویکرد را بسیار سخت می‌دانند و در خود توانایی لازم را جهت کسب مهارت‌های این رویکرد نمی‌بینند.

همچنین از جمله مواردی که در دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان منعکس شده، پنداشتن این باور است که برای ورود به تحقیق و پژوهش در رویکرد اسلامی، لازم است که دانشجو به زبان عربی تسلط داشته باشد. این باور، خصوصاً در دانشجویانی که رغبتی به یادگیری زبان عربی نداشته و عمدتاً در دوره‌های تحصیلی قبل خود، نظیر دوره راهنمایی و دبیرستان با درس عربی مشکل داشته‌اند، باعث نگرشی منفی به رویکرد اسلامی در آنها می‌شود. نیز تجربه‌هایی که دانشجویان از مباحث مطرح شده در همایش‌ها و سخنرانی‌های اساتید خود دارند، عمدتاً با آیات و روایات به زبان عربی سر و کار داشته است. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان کرد: «تا حالا منابعی که راجع به روان‌شناسی اسلامی خواندیم و چیزایی که اساتید گفتن و توی همایش‌ها و مقاله‌ها دیدیم، همش بر اساس آیات و روایات عربی بوده، پس شک دارم دانشجو بتونه هم به زبان عربی مسلط بشه و هم به تحقیق و پژوهش توی این حیطه که اغلباً هم با تفسیر و این چیزا سر و کار داره، مشغول بشه.»

۴. تردید درباره کارایی این رویکرد در عمل

از جمله دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان، تردید آنها در خصوص کارایی رویکرد اسلامی، از بعد قابلیت عملیاتی شدن بود. آنها این‌گونه مطرح کردند که نوپا بودن روان‌شناسی اسلامی باعث می‌شود که در آینده نزدیک نتوان آن‌طور که روان‌شناسی مرسوم کارایی دارد، به کار گرفته شود، چراکه هنوز چارچوب نظری و کاربردی منسجمی برای آن تدوین نشده و تجارب عملی محسوسی هم گزارش نشده است. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «فکر نمی‌کنم این رویکرد در عمل جواب بده، آخه بیشتر از صد ساله که روی روان‌شناسی کار شده تا به اینجاش رسیده، اما روان‌شناسی اسلامی هنوز هیچ کار قابل توجهی نشده.»

از دیگر دیدگاه‌های مطرح‌شده توسط مصاحبه‌شوندگان، وسعت کاربرد رویکرد اسلامی در روان‌شناسی و مشاوره بود. برخی از آنها این دیدگاه را که باید از ابتدا تمامی پایه‌ها و مبانی روان‌شناسی مرسوم را بر مبنای دیدگاه‌های اسلامی تدوین کرد، نمی‌پذیرفتند و عنوان می‌کردند که رویکرد اسلامی باید همانند سایر رویکردها، یک نظریه در نظر گرفته شود و همان‌گونه که هر نظریه‌ای در حیطه‌ای خاص بیشترین کاربرد را دارد، روان‌شناسی اسلامی هم می‌تواند در حیطه‌های خاصی دست به نظریه‌پردازی زده و راه‌کارهایی را پیشنهاد کند.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان چنین گفت: «رویکرد اسلامی، اگر بخواد واقعاً عملی باشه و واقعاً مؤثر باشه، فقط می‌تونه در حدیه نظریه در کنار بقیه نظریه‌ها مطرح بشه، نه اینکه بخواد رویکردهای دیگه رو بذاره کنار و خودش تمام روان‌شناسی رو اسلامی کنه؛ تازه اونم فقط برای مراجعانی کاربرد داره که از لحاظ اعتقادی قوی باشن.»

مشارکت‌کنندگان در خصوص کارایی داشتن رویکرد اسلامی که نفی‌کننده سایر رویکردهای مرسوم در روان‌شناسی نیز باشد، تردید داشته و خوش‌بینی کمی به عملی بودن این باور داشتند.

عوامل برون‌فردی

این مضمون به عواملی اشاره دارد که خارج از حیطه اختیارات دانشجویان بوده و دربرگیرنده هفت طبقه اصلی است:

۱. کمبود منابع مناسب آموزشی و پژوهشی

اصلی‌ترین مانعی که مشارکت‌کنندگان در این پژوهش در دیدگاه‌های خود بدان اشاره کرده و بیشترین فراوانی را دارد، کمبود منابع مناسب، اعم از منابع آموزشی و پژوهشی است. کمبود اساتید متخصص که تجربه کافی در حیطه روان‌شناسی با رویکرد اسلامی داشته باشند، از جمله آسیب‌هایی است که مطرح شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان چنین گفت: «استاد مسلط و متخصص که به حیطه روان‌شناسی اسلامی آشنا باشه، کار کرده باشه و تجربه داشته باشه، نداریم که بیاد به دانشجو تدریس کنه.»

همچنین آنچه از دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان مشخص شده، این اعتقاد است که تا زمانی که آموزگار، مسلط و باتجربه نباشد، از دانشجو نباید انتظار آموختن داشت. اساتید که الگویی برای دانشجویان هستند، باید بر اصول و مفاهیم رویکرد اسلامی تسلط داشته و کارآیی آن را در عمل، تجربه کرده باشند تا بتوانند دانشجویان خود را ترغیب به ادامه راه خود کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره چنین گفته است: «وقتی اساتید خوب و متخصص تو این زمینه کم داریم چطور انتظار داریم دانشجو گرایش داشته باشه.»

از موارد دیگری که در خصوص منابع ذکر شد، کمبود کتاب‌ها، مقاله‌ها، مجله‌ها و درس‌های اصلی دانشگاهی است که تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کردند.

غالب مشارکت‌کنندگان چنین بیان کردند: «منابع موجود بسیار کم و پیچیده‌اند، کاربردی نیستند و فقط در سطح نظری‌اند.»

همچنین مصاحبه‌شوندگان از همان محدود کتاب‌های موجود در بازار نیز انتقاد داشتند، زیرا متن آنها بسیار پیچیده، صرفاً نظری و غیرکاربردی است که باعث دل‌زدگی خواننده شده و صرفاً برای طیف خاصی از خوانندگان مناسب است. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «بر فرض که دانشجو علاقه پیدا کرد بیاد سمت این موضوع، کو کتاب مناسب؟ کو منابع بدرد بخور؟»

به هر حال، نبود تعداد کافی مجله‌ها در حوزه روان‌شناسی اسلامی، کمبود مقاله‌های پژوهشی، نبودن تنوع در کتاب‌ها، محدود بودن آنها، کمبود محسوس اساتید متخصص و باتجربه، نبودن پایگاه‌های جامع اطلاعاتی برای گزارش پژوهش سایر محققان و اندیشمندان، از جمله مواردی است که مشارکت‌کنندگان، به وفور گزارش کرده‌اند.

۲. نبود چهارچوب نظری و کاربردی

هر نظریه و رویکردی، تنها در صورتی می‌تواند جای خود را در میان فعالیت‌های پژوهشی و بالینی دانشجویان باز کند که ساختار منسجم، چارچوب نظری قوی و اصول کاربردی داشته باشد. از جمله مواردی که مشارکت‌کنندگان بدان اشاره داشتند، نبود ساختار جامع و نظام‌مند در رویکرد روان‌شناسی و مشاوره اسلامی است که دربرگیرنده ساختار نظری و سازوکارهای عملی باشد. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان چنین بیان داشت: «باید نظریه اسلامی و رویکرد آن نظام‌مند و آکادمیک باشد.»

رسیدن به چارچوب نظری قوی و کاربردی، نیازمند پژوهش‌های گسترده‌ای است که کارایی این رویکرد را در عمل، اثبات کرده باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «از لحاظ نظری، یک چارچوب نظری و قوی که کارایی اش اثبات شده باشد، نداریم.» دیگری گفت: «دانشجوی روان‌شناسی و مخصوصاً مشاوره، دنبال یک چارچوب علمی می‌گردند که کاربردی باشد.»

به طور کلی آنچه می‌توان از دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان برداشت کرد، عدم تدوین ساختار نظری منسجم و اصول و فنون کاربردی‌سازی مفاهیم نظری است که یکی از اصلی‌ترین موانع گسترش یافتن رویکرد اسلامی در میان دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره می‌باشد.

۳. نبود دوره‌های جامع آموزشی در دانشگاه

دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، در آینده کاری خود، باید در کلینیک‌ها و مراکز مشاوره، با مراجعان خود ارتباط برقرار کرده و مفاهیم نظری را که در دانشگاه آموخته و در دوره‌های آموزشی تمرین کرده‌اند، از طریق فنون مناسب اجرا کنند تا بهترین نتیجه را بگیرند. هنگامی که از رویکرد جدیدی سخن گفته می‌شود، دانشجو انتظار دارد که کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی جامعی برای وی فراهم شود، تا سطح دانش خود را در آن زمینه ارتقا داده و بر تجارب خود بیفزاید. نبود این‌گونه دوره‌های آموزشی، از عمده‌ترین دغدغه‌های مشارکت‌کنندگان می‌باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان، در پاسخ به سؤال مربوط به موانع همه‌گیر شدن رویکرد اسلامی در میان دانشجویان این رشته گفت: «کارگاه‌ها و دروس اصلی با رویکرد اسلامی وجود ندارد.»

نیاز مبرم به دوره‌های آموزشی رویکرد روان‌شناسی اسلامی که دربرگیرنده اصول و مفاهیم نظری و سازوکارهای عملی باشد، از جمله موانع و کمبودهای ذکرشده توسط مصاحبه‌شوندگان است. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «نباید از همه دانشجویان انتظار داشت پژوهش کنند. بعضی‌ها فقط می‌خوان عملی کار کنند. پس یه راهنما، یه چارچوب، یه دوره‌ای چیزی لازمه تا اونا یاد بگیرن چکار کنند.»

۴. نبود کلینیک‌ها و مراکز مشاوره با رویکرد اسلامی برای کارورزی

برخی از مصاحبه‌شوندگان، خصوصاً آنهایی که آشنایی مختصری با رویکرد اسلامی داشته و خوش‌بین‌تر از دیگران بودند، نبود مراکز مشاوره را که اختصاصاً بر اساس رویکرد اسلامی خدمات ارائه کنند، آسیب مهمی دانست. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «مراکز مشاوره و کلینیک جهت کاربردی‌سازی این رویکرد و برای کارورزی سایر دانشجویان وجود ندارد.»

عدم پذیرش دانشجویانی که رویکرد اسلامی را نظریه روان‌درمانی و مشاوره خود برگزیده‌اند، در مراکز مشاوره و کلینیک‌های فعلی، باعث می‌شود آموخته‌ها و توانایی‌های این دانشجویان، راهی برای شکوفا شدن نیابد و رفته‌رفته خاموش شود. این مهم، باعث کاسته شدن از رغبت و انگیزه دانشجویان برای فعالیت بالینی در حیطه روان‌شناسی اسلامی می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «الان فرض کنیم یه دانشجو رویکرد اسلامی کار

کرده باشد و بخواد بره به کلینیکی عملی کار کنه. آیا بهش اجازه میدن اسلامی کار کنه؟ وقتی به مرکز مشاوره با رویکرد اسلامی نباشه، چکار باید کرد؟»
به طور خلاصه، گشایش مراکز مشاوره با رویکرد اختصاصاً اسلامی یا ملزم کردن کلینیک‌های فعلی، به راه‌اندازی بخشی به نام مشاوره اسلامی می‌تواند راهگشای بخشی از موانع و مشکلات باشد.

۵. کمبود یافته‌های تجربی که تأییدکننده کارآمدی رویکرد اسلامی در عمل باشند

هنگامی که یک نظریه بخواهد خود را در قالب علمی معرفی کند و مدعی باشد که اصول تشکیل‌دهنده آن، راهگشای مسائل و مشکلات بشری است، باید در عمل، آن را به شیوه‌های گوناگون اثبات کند. رویکرد اسلامی نیز لازم است کارایی خود را از طریق پژوهش‌های گسترده، نشان دهد. این مهم، محقق نمی‌شود مگر با انجام پژوهش‌های متعدد، چه در سطح بنیادی و چه در سطح کاربردی و توسعه‌ای. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان که در سطح دکترا تحصیل می‌کرد، نظری این‌گونه داشت: «چون روان‌شناسی یک علم است، پس رویکرد اسلامی هم باید به صورت علمی و به همراه یافته‌های پژوهشی ارائه شود که این مهم تاکنون انجام نشده است.»

پیش‌نیاز انجام پژوهش‌های تجربی در تأیید یا رد مفروض‌های یک نظریه، دارا بودن چارچوب نظری و کاربردی است؛ چارچوبی که پژوهش‌های متعدد بتوانند بر اساس آن، فرضیه‌سازی کرده و تأیید شدن فرضیه‌های خود را آزمون کنند. در این رابطه، یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرد: «از لحاظ نظری، یک چارچوب نظری و قوی که کارایی‌اش اثبات شده باشه، نداریم و از لحاظ کاربردی هم هیچ چیز ثابت شده‌ای که منسجم باشه نیست.»
به هر حال، تا زمانی که یک ساختار نظری مدون در خصوص رویکرد اسلامی به روان‌شناسی ارائه نشود، نمی‌توان پژوهش‌های گسترده و مفید را صورت داد، و پژوهش‌های پراکنده که بر یک چارچوب نظری قرار نگرفته باشند نیز کمکی به پیش برد این رویکرد نمی‌کند.

۶. اطلاع‌رسانی نکردن مناسب درباره برنامه‌ریزی‌ها و اهداف

برای پیشرفت در هر زمینه‌ای باید راهبردها و استراتژی‌هایی مناسب در نظر گرفته شود که

این مهم بدون تعریف یک هدف روشن و مشخص امکان‌پذیر نیست. از جمله ویژگی‌های یک هدف مناسب، دست‌یافتنی بودن آن و بنا شدن بر اساس یک منطق صحیح است. همچنین هدف باید قابل سنجش باشد تا در هر مقطعی بتوان ملاکی برای نزدیک شدن به هدف‌های تعریف‌شده را در دست داشت. در این راستا رویکرد اسلامی به روان‌شناسی نیز نخست، باید با تعریف هدفی جامع، دست‌یافتنی و روشن، امکان برنامه‌ریزی و تعیین راهبردهای لازم را برای دستیابی به آن فراهم آورد. تعریف نشدن این هدف، و در صورت تعریف شدن، عدم اطلاع‌رسانی مناسب در میان اساتید و دانشجویان، از جمله موانعی است که گرایش به رویکرد اسلامی را در دانشگاه‌ها کند می‌کند. برای مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان که در سطح کارشناسی مشغول به تحصیل بود، چنین گفت: «هدف نداریم، ما می‌خوایم به چی برسیم، مشخص نیست.»

از جمله انتقادهایی که مصاحبه‌شوندگان مکرراً به آن اشاره کردند، درخواست از مسئولان درباره پژوهش و فعالیت در حیطه روان‌شناسی اسلامی از یک طرف، و عدم تعریف یک هدف روشن از طرف دیگر بود که باعث ایجاد ناهمخوانی در آنان شده بود. دیدگاه یکی از مشارکت‌کنندگان به وضوح این آسیب را نشان می‌دهد: «همه می‌گن اسلامی کار کنین، اما یه برنامه‌ریزی خوب نداریم، ما طبق چی عمل کنیم؟»

به هر حال، مشارکت‌کنندگان نبود یک هدف واحد و روشن و به تبع آن، نبود استراتژی‌ها و راهبردهای رسیدن به آن را مانع مهمی برای گرایش دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، به رویکرد اسلامی دانستند.

۷. عدم حمایت کافی اساتید و مسئولان از پژوهش در حوزه روان‌شناسی و مشاوره با رویکرد اسلامی
از جمله موانع دیگری که مصاحبه‌شوندگان، سد راه گرایش دانشجویان به کاربرد رویکرد اسلامی در فعالیت‌های پژوهشی و بالینی خود می‌دانستند، عدم حمایت کافی اساتید و مسئولان امر بود. آنها معتقد بودند اساتید به دلیل کم‌اطلاعی و عدم تسلط بر مفاهیم روان‌شناسی اسلامی، نه تنها بخشی از مباحث ارائه‌شده خود را در کلاس‌های درس به رویکرد اسلامی اختصاص نمی‌دهند، بلکه دانشجویان را از انتخاب موضوعات درباره این رویکرد، منع می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان در بیان خود، به وضوح این نکته را منعکس می‌کند: «تا به استاد می‌گی می‌خوام موضوع روان‌شناسی اسلامی کار کنم، می‌گن

توش می‌مونی و ما نمی‌تونیم کمکت کنیم. اصلاً یه جورایی استادا از نزدیک شدن به این موضوعا می‌ترسن.»

عدم حمایت مناسب مسئولان دانشگاه نیز بخشی از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان بود. آنها چنین بیان می‌کردند که قول حمایت مادی و معنوی برای پژوهشگران حوزه‌های علوم انسانی اسلامی، فقط در حد حرف باقی مانده و عملیاتی نمی‌شود. برای مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «حمایت فقط در حد حرف می‌مونه. مسئولای دانشگاه اصلاً سرمایه‌گذاری نمی‌کنن. یه بودجه جدا تخصیص نمی‌دن. از پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های با موضوع اسلامی حمایتی که لازمه نمی‌کنن.»

دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش، خصوصاً دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی، از عدم تخصیص بودجه ویژه برای پایان‌نامه‌های مرتبط با رویکرد اسلامی انتقاد داشته و بیان می‌داشتند که نه تنها حمایت ویژه‌ای از پایان‌نامه‌های با موضوعیت روان‌شناسی و مشاوره اسلامی نمی‌شود، بلکه فرایند تصویب شدن یک موضوع اسلامی و نیز راضی کردن مسئولان و اساتید به مراتب سخت‌تر از موضوعات دیگر است.

بحث و نتیجه‌گیری

عمده‌ترین هدف این پژوهش، کمک به شناسایی و طبقه‌بندی موانعی بود که سد راه گرایش دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، به کاربرد قابل توجه رویکرد اسلامی در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و بالینی شده بودند. بدین منظور، پس از انجام مصاحبه با دانشجویان و اساتید مربوط به این رشته‌ها، دست‌نوشته‌های حاصل، تحلیل و کدگذاری شد. واحدهای معنایی (جمله‌ها)، چندین بار بررسی شده و زیرطبقه‌ها، طبقه‌ها و مضامین کلی به دست آمد. عوامل درون‌فردی به عنوان اولین مضمون، اشاره به موانعی داشت که در حوزه اختیارات دانشجویان بوده و به شرایط درونی آنها نظیر کم‌انگیزگی و بی‌علاقگی کلی آنان بستگی داشت. طبقه‌های تشکیل‌دهنده این مضمون، شامل بی‌رغبتی کلی دانشجویان به طرح مسائل جدید، تردید درباره کارایی رویکرد اسلامی در عمل، عدم آشنایی با مفاهیم و اصول روان‌شناسی و مشاوره اسلامی و تردید در مورد توانایی کسب مهارت‌های لازم برای این رویکرد بود. شناسایی این موانع در سطح عوامل درون‌فردی، می‌تواند اطلاعات مفیدی

را در اختیار مسئولان مربوط قرار داده تا با برنامه‌ریزی‌های جامع و گسترده، راه‌کارهایی را برای ترغیب هرچه بیشتر دانشجویان، به کاربرد رویکرد اسلامی ببندیشند. همچنین به عنوان دومین مضمون، عوامل برون‌فردی زیادی شناسایی شدند که بخش عمده‌ای از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش را به خود اختصاص دادند. این عوامل برون‌فردی، به موانع، آسیب‌ها و کمبودهایی اشاره داشت که از حیطة اختیارات دانشجویان خارج بوده و با شیوه عمل برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مسئولان امر ارتباط تنگاتنگی داشت و شامل هفت طبقه اصلی بود که عبارت بودند از: کمبود منابع آموزشی و پژوهشی، کمبود یافته‌های تجربی که کارایی رویکرد اسلامی در روان‌شناسی و مشاوره را تأیید کنند، نبود چارچوب نظری منسجم و سازوکارهای کاربردی، نبود اطلاع‌رسانی مناسب درباره اهداف و برنامه‌ها، نبود دوره‌های جامع آموزشی و تجربی در دانشگاه، نبود مراکز مشاوره با رویکرد اسلامی برای کارورزی و عدم حمایت مناسب اساتید و مسئولان به صورت واقعی. شناسایی موانع ذکرشده در سطح برون‌فردی، اطلاعات اولیه مهمی را برای سیاست‌گذاران در سطح کلان و اساتید و مسئولان دانشگاه در سطح خرد فراهم می‌آورد تا با نگاهی جامع، به برطرف کردن موانع موجود اقدام کرده و روند همه‌گیر شدن رویکرد اسلامی را در بین بیشتر دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، و بعضاً دانشجویان سایر رشته‌های علوم انسانی، تسریع ببخشند.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش با توجه به دیدگاه‌های خود درباره موانع گرایش دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره به رویکرد اسلامی، راه‌کارهایی را نیز برای رفع این موانع پیشنهاد دادند که عمده‌ترین آنها عبارت‌اند از: تدوین هدف جامع و روشن، برنامه‌ریزی و تعیین راهبردهای کوتاه‌مدت و بلندمدت، تعیین ملاک‌های روشن برای ارزیابی میزان دستیابی به اهداف تعریف شده، نظرسنجی و اطلاع‌رسانی درباره اهداف و برنامه‌ها، اجرای نیازسنجی‌های گسترده در میان دانشجویان این رشته‌ها، تربیت اساتید متخصص و با تجربه در این حوزه، تدوین چارچوب نظری منسجم و سازوکارهای عملیاتی کردن نظریه‌ها، تدوین عناوین متعدد کتاب‌های تخصصی با رویکرد نظری و کاربردی، انتشار مجله‌های علمی - تخصصی متنوع با موضوعیت روان‌شناسی و مشاوره

اسلامی، ایجاد پایگاه‌های جامع اطلاعاتی که تازه‌ترین پیشرفت‌های پژوهشگران را نمایه کند، ایجاد مراکز مشاوره با رویکرد اسلامی، ملزم کردن مراکز مشاوره فعلی به اختصاص بخشی از فعالیت‌های خود به رویکرد اسلامی، برگزاری مستمر کارگاه‌ها و همایش‌های آشنایی با رویکرد اسلامی در روان‌شناسی و مشاوره، برپایی دوره‌های جامع آموزشی در دانشگاه، الزام اساتید و مسئولان به حمایت‌های واقعی مادی و معنوی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های با موضوعیت رویکرد اسلامی، فراهم آوردن مکان‌هایی برای کارورزی و تجربه‌اندوزی دانشجویان، تشکیل جلسه‌های هم‌اندیشی بین دانشجویان و اندیشمندان و برنامه‌ریزان امر، در نظر گرفتن مشوق‌های ویژه برای پژوهشگران حوزه روان‌شناسی و مشاوره اسلامی برای ترغیب هرچه بیشتر آنان، و بهره‌گیری از تجربه‌ها و دیدگاه‌های اساتید حوزه‌های علمیه و مراکز تعلیم دینی.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، محدود بودن مصاحبه‌شوندگان به دانشگاه اصفهان بوده که امید است پژوهش‌های بعدی، دانشجویان روان‌شناسی و مشاوره سایر دانشگاه‌های کشور را نیز مد نظر قرار دهند. همچنین پژوهش‌های بعدی می‌توانند با ترکیب کردن رویکردهای کمی و کیفی (به صورت آمیخته^{۳۹})، اطلاعات جامع‌تری را در زمینه نگرش‌های دانشجویان به دست آورند.

یافته‌های حاصل از این پژوهش، نشان‌دهنده موانع و آسیب‌های مهمی است که پیش روی دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره قرار گرفته و مانع گرایش مناسب آنها به کاربرد رویکرد اسلامی در حیطه‌های پژوهشی و درمانی می‌شوند. پیشنهاد می‌شود که مسئولان و سیاست‌گذاران حیطه روان‌شناسی و مشاوره، این موانع و آسیب‌ها را مد نظر قرار داده و راه‌کارهای مناسبی را برای ترغیب هرچه بیشتر دانشجویان به رویکرد اسلامی ببیندیشند. محققان، پس از آشنایی با دو پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (قم) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قم)، و آگاهی اجمالی از فعالیت‌ها، گروه‌ها و هیئت‌های علمی و نشریه‌ها و کتاب‌های چاپ شده در حیطه روان‌شناسی با رویکرد اسلامی، پیشنهاد می‌کنند که این دستاوردها و فعالیت‌ها اولاً: در تمامی دانشگاه‌ها گسترش پیدا کرده و ثانیاً: اطلاع‌رسانی بیشتری درباره این مراکز پژوهشی و سایر مراکز مشابه انجام شود تا هم دانشجویان علاقمند بتوانند با این مراکز همکاری کرده و هم از پیشرفت‌های آنها، بهره‌گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Meditation.
2. Husain, Akbar. Islamic Psychology: Emergence of a New Field. Published by Global Vision Publishing House: New Delhi.
3. A. A. Vahab, An Introduction of Islamic Psychology. Institute of Objective Studies: New Delhi. Second print.
4. Ansari, Zafar. Afaq. Qur'anic Concept of Human Psyche. International Institute of Islamic Culture: Lahore.
5. M. G. Husain, Psychology and Society in Islamic Perspective. Institute of Objective Studies: New Delhi.
6. Husain, Akbar, opcit.
۷. ر.ک: مسعود آذربایجانی، سیدمهدی موسوی اصل، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۸. برنارد اسپیلکا و همکاران، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، ص ۶.
۹. همان، ص ۱۵.
۱۰. ر.ک: مسعود آذربایجانی، سیدمهدی موسوی اصل.
۱۱. سیدمحمد غروی، «بختی پیرامون روان‌شناسی اسلامی»، *معرفت*، ش ۵۰، ۱۳۸۰، ص ۱۳-۶.
۱۲. عباس شکبیا و همکاران، «بررسی ساختار عاملی تابیدی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس فرد-گرایی و جمع - گرایی اوکلند (AICS)»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۳، ص ۳۰-۲۰.
۱۳. ر.ک: جرالده کری، *نظریه و کاربرست مشاوره و روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی.
۱۴. ر.ک: خسرو باقری، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*.
15. Cultural approach.
۱۶. ر.ک: جیمز پروچاسکا، و دیگران، *نظریه‌های روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی.
17. N. L. Passmore, Religious issues in counselling: Are Australian psychologists "dragging the chain"? Australian Psychologist, 38, p: 183-192.
18. Qualitative analysis.
19. Qualitative content analysis.
20. Inference.
21. Replicable.
22. Valid.
23. Context.
۲۴. کلس کریپندورف، *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، ص ۲۵.
25. Classify.
26. Extract.
۲۷. علی‌اصغر قدس و همکاران، «معنای رضایت بیماران از پرستاران: یک تحقیق کیفی»، *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره چهارم، ش ۱، ۱۳۸۹، ص ۶۱-۴۷.
28. Conceptual analysis.
29. Relational analysis.
30. Semi- structured interview.
31. QSR NVivo qualitative data analysis.
۳۲. علی‌اصغر قدس و همکاران، همان.
33. Credibility.
34. External (peer) checking.
35. Member checking.
۳۶. علی‌اصغر قدس و همکاران، همان.
37. Trustworthiness.
38. Theme.
39. Mixed-Method.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، موسوی اصل، سیدمهدی، درآمدی بر روان‌شناسی دین، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، چ دوم، ۱۳۸۷.
- اسپیلکا، برنارد و همکاران، *روان‌شناسی دین بر اساس رویکرد تجربی*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد، ۱۳۹۰.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، ۱۳۸۹.
- پروچاسکا، جیمز، و دیگران، *نظریه‌های روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، رشد، ۱۳۸۷.
- غروی، سیدمحمد، بحثی پیرامون «روان‌شناسی اسلامی»، *معرفت*، ش ۵۰، ۱۳۸۰، ص ۱۳-۶.
- قدس، علی اصغر و همکاران، «معنای رضایت بیماران از پرستاران: یک تحقیق کیفی»، *مجله اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره چهارم، ۱۳۸۹، ش ۱، ص ۶۱-۴۷.
- کری، جerald، *نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۹.
- کریپندورف، کلوس، *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نی، ۱۳۹۰.
- شکیبا، عباس و همکاران، «بررسی ساختار عاملی تاییدی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس فرد-گرایی و جمع-گرایی اوکلند (AICS)»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۳، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۲۰.
- Ansari, Zafar. Afaq. (1992). Qur'anic Concept of Human Psyche. *International Institute of Islamic Culture*: Lahore.
- Husain, Akbar. (2006). *Islamic Psychology: Emergence of a New Field*. Published by Global Vision Publishing House: New Delhi.
- Husain, M. G. (1996). *Psychology and Society in Islamic Perspective*. Institute of Objective Studies: New Delhi.
- Passmore, N. L. (2003). Religious issues in counselling: Are Australian psychologists "dragging the chain"? *Australian Psychologist*, 38, p: 183-192.
- Vahab, A. A. (2002). *An Introduction of Islamic Psychology*. Institute of Objective Studies: New Delhi. Second print.
- Study the barriers to applying the Islamic approach within students of psychology and counseling: A qualitative research.